

اصول اساسی میانجی‌گری تجاری در حقوق ایران و افغانستان

(با تکیه بر کنوانسیون سنگاپور، ۲۰۱۹ م)



مرتضی عادل^۱، حفیظ‌الله محمدی^۲

چکیده

میانجی‌گری یکی از روش‌های حل اختلاف خارج از محاکم است، که به دلایل متعدد در موارد زیادی مورد استقبال دو طرف قرار می‌گیرد. در حوزه تجاری نیز این روش حل اختلاف به فراوانی مورد استفاده تاجران قرار می‌گیرد. موفقیت و اعتبار موافقت‌نامه ناشی از میانجی‌گری متکی بر شناخت و رعایت اصول کلیدی میانجی‌گری تجاری توسط میانجی و اصحاب دعواست؛ باوجوداین، تاکنون مطالعه تطبیقی میان حقوق ایران و افغانستان پیرامون اصول میانجی‌گری تجاری صورت نگرفته است. هدف این مقاله شناسایی و تحلیل اصول کلیدی میانجی‌گری به‌منظور بهبود فرایند میانجی‌گری و به چالش کشیده‌نشدن موافقت‌نامه ناشی از میانجی‌گری است. این تحقیق با اتخاذ رویکرد توصیفی - تحلیلی به بررسی تطبیقی اصول اساسی میانجی‌گری در حقوق ایران، افغانستان، کنوانسیون سنگاپور (۲۰۱۹ م) و قانون نمونه آنسیترال (۲۰۱۸ م) پرداخته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که: اصول حاکمیت اراده، استقلال، بی‌طرفی، حسن نیت و محرمانه‌گی، اصول اساسی میانجی‌گری در حقوق ایران، افغانستان و قانون نمونه آنسیترال هستند و در فرایند میانجی‌گری تأثیر به‌سزایی دارند، که نقض هرکدام سبب ختم و شکست میانجی‌گری می‌گردد؛ در مواردی ممکن است باعث ایجاد مسؤولیت مدنی و کیفری نیز بشود؛ باین‌حال، اصل حاکمیت اراده و محرمانه‌گی دارای محدودیت و استثنائاتی هستند، که مورد بحث قرار گرفته است. در نهایت نتایج پژوهش می‌تواند در بهینه‌سازی فرایند میانجی‌گری و اعتبار موافقت‌نامه میانجی‌گری به کارگذاران و میانجی‌گران تجاری، به‌ویژه در حوزه حقوق ایران و افغانستان کمک کند.

واژه‌گان کلیدی: اصول میانجی‌گری، میانجی‌گری تجاری، اصول مصالحه تجاری.

دوره و سال چهاردهم نشراتی، پایانی ۴۸، شماره اول، بهار ۱۴۰۴
غالب (فصل‌نامه بین‌المللی مطالعات حقوقی، سیاسی و روابط بین‌الملل)

^۱. استادیار گروه حقوق خصوصی و اسلامی، دانش‌کده / پژوهشی حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه / پوهنتون تهران، تهران، ایران (نویسنده مسؤول: madel@ut.ac.ir)

^۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، گروه حقوق خصوصی و اسلامی، دانش‌کده / پژوهشی حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه / پوهنتون تهران، تهران، ایران

(hafizm9090@gmail.com)

این مقاله تحت مجوز بین‌المللی Creative Commons Attribution 4.0 International License منتشر شده است.



Basic Principles of Commercial Mediation in the Laws of Iran and Afghanistan

(Based on the Singapore Convention, 2019)



Morteza Aadel ^{1*}, Hafizullah Muhammadi²



Abstract

Mediation is one of the methods of resolving disputes outside the courts, which is often preferred by both parties for various reasons. In the commercial sphere, this dispute resolution method is widely utilized by business entities. The success and enforceability of an agreement resulting from mediation depend on the recognition and adherence to the fundamental principles of commercial mediation by both the mediator and the disputing parties. However, to date, no comparative study has been conducted on the principles of commercial mediation in the legal frameworks of Iran and Afghanistan. This article aims to identify and analyze the key principles of mediation to enhance the mediation process and prevent challenges to the enforceability of mediation agreements. Adopting a descriptive-analytical approach, this study conducts a comparative analysis of the fundamental principles of mediation under the laws of Iran, Afghanistan, the Singapore Convention (2019), and the UNCITRAL Model Law (2018). The findings reveal that the principles of autonomy, independence, impartiality, good faith, and confidentiality constitute the core principles of mediation under the laws of Iran, Afghanistan, and the UNCITRAL Model Law. These principles play a crucial role in the mediation process, and their violation can lead to the termination and failure of mediation. In some cases, breaches may even result in civil and criminal liability. However, the principles of autonomy and confidentiality are subject to certain limitations and exceptions, which are discussed in this study. Ultimately, the results of this research can assist legal practitioners and commercial mediators—particularly in the Iranian and Afghan legal contexts—in optimizing the mediation process and ensuring the validity of mediation agreements.

Keywords: principles of mediation, commercial mediation, fundamental principles of conciliation.

¹ Assistant Professor, Department of Private and Islamic Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran (Corresponding author: maedel@ut.ac.ir)

² Master's degree graduate, Department of Private and Islamic Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran (hafizm9090@gmail.com).



This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License

۱. مقدمه

میانجی‌گری، روش دوستانه برای حل و فصل اختلاف است، که در سال‌های اخیر از محبوبیت بیش‌تر و استقبال خوب برخوردار بوده است. محرمانه‌گی، کم‌هزینه‌گی و سرعت می‌تواند از مهم‌ترین دلایل این محبوبیت و کارایی میانجی‌گری بوده باشد. به جهت همین استقبال و مؤثر بودن میانجی‌گری در حل و فصل اختلاف تجاری، در سطح بین‌الملل و جهت نظام‌مندسازی و شناسایی موافقت میانجی‌گری، کنوانسیون میانجی‌گری سنگاپور (۲۰۱۹ م) شکل می‌گیرد؛ اما میانجی‌گری موفق و مؤثر زمانی به‌وجود می‌آید که اصول میانجی‌گری در فرایند میانجی‌گری تجاری حاکم بوده باشد. میانجی‌گری تجاری همانند روش‌های دیگر رسیده‌گی و شیوه‌های حل منازعات دارای اصول است. اصول جمع اصل به معنای ریشه‌ها و پایه‌ها آمده است. در اصطلاح نیز از مفهوم لغه‌وی دور نیافته است؛ زیرا وجود این اصول، پایه‌ها و استوانه‌های میانجی‌گری را شکل می‌دهد، که بدون آن تداوم میانجی‌گری امکان‌پذیر نیست.

در قرن کنونی، روابط اقتصادی و فعالیت‌های تجاری افزونی بسیار داشته است. امروزه با حجم کلان از سرمایه و هزینه و در بخش‌های کالا و خدمات، قراردادهای تجاری بسیاری به‌وجود می‌آید و به دلیل پیچیده‌گی و فنی بودن بسیاری از روابط و قراردادهای تجاری، رسیده‌گی به اختلافات ناشی از آن‌ها از طریق دادگاه/ محکمه، زمان‌بر و هزینه‌بر می‌باشد؛ از این‌رو، در جهان کنونی جهت حل و فصل این نوع اختلافات تجاری، شیوه‌های جای‌گزین و به‌خصوص میانجی‌گری از اقبال بلند برخوردار است. در سال‌های اخیر روابط اقتصادی ایران و افغانستان افزایش داشته و هم‌چنان در حال گسترش است؛ قاعدتاً تولید، سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های تجاری بیش‌تر، منازعات و اختلافات تجاری بیش‌تر را در پی خواهد داشت. با توجه به وضعیت کنونی افغانستان، روش‌های حل و فصل دوستانه اختلافات به‌ترین ابزار جهت حل اختلافات و مناسب‌ترین روش برای تأمین تداوم و فعالیت تجاری میان دو کشور به نظر می‌رسد؛ بنابراین، محبوبیت میانجی‌گری در جهان و افزایش روابط اقتصادی و تجاری میان افغانسان و ایران، به مطالعه تطبیقی میانجی‌گری در حقوق ایران و افغانستان اهمیت و ضرورت می‌بخشد.

میانجی‌گری هرچند به اندازه داوری توسعه نیافته و نونهالی با اقبال بلند در میان اصحاب دعوا و حقوق‌دانان می‌باشد، اما با وجود این به صورت کلی پیرامون میانجی‌گری مباحثی شکل گرفته و مطالعات نسبی نیز انجام شده است.

آن‌چه در این مقاله به دنبال آن هستیم، شناخت و تبیین اصول میانجی‌گری در حقوق ایران و افغانستان و پاسخ به این پرسش که اصول میانجی‌گری در حقوق ایران و افغانستان تجاری چیست؟ و میانجی و طرفین در فرایند میانجی‌گری باید کدام اصول را و تا چه محدوده‌ی رعایت کنند؟ در این

پژوهش تنها به اصول اساسی میانجی‌گری پرداخته می‌شود. این اصول اساسی، اصولی هستند که: ۱. از نقض آن‌ها میانجی‌گری خاتمه پیدا می‌کند یا نقض آن جرم محسوب می‌گردد؛ مثل اصل استقلال و اصل محرمانه‌گی؛ ۲. طرفین و میانجی نمی‌توانند بر خلاف اصول اساسی توافق کنند؛ درحالی که اصول غیراساسی این تأثیرات و ویژگی را ندارند.

نگارنده‌گان با اتخاذ رویکرد توصیفی – تحلیلی به‌روش تطبیقی، با استفاده از ابزار کتاب‌خانه‌یی می‌کوشند اصول میانجی‌گری تجاری را در قلمرو حقوق ایران و افغانستان و کنوانسیون سنگاپور (۲۰۱۹ م) شناسایی، تبیین و ضمانت اجرای اصول اساسی را بیان کنند.

یافته‌ها نشان می‌دهد که حاکمیت اراده، استقلال، بی‌طرفی، محرمانه‌گی و حسن نیت از اصول اساسی میانجی‌گری هستند؛ به جز اصل حسن نیت، مابقی اصول دارای محدودیت‌هایی هستند؛ بعلاوه، در این تحقیق اصل استقلال و بی‌طرفی به‌عنوان دو اصل متفاوت و جداگانه نیز در نظر گرفته شده است.

۲. اصول اساسی میانجی‌گری

برخی از اصول رسیده‌گی، رعایت آن برای حل‌وفصل اختلاف ضروری است؛ نادیده‌گرفتن و رعایت‌نکردن آن‌ها باعث می‌گردد تا فرایند رسیده‌گی مورد اعتراض قرار گیرد؛ و رسیده‌گی به‌گونه ناقص خاتمه یابد و یا حتی باعث انحلال موافقت‌نامه حل‌وفصل اختلاف و باعث به‌وجودآمدن مسؤولیت مدنی و کیفری گردد.^۱ این اصول رسیده‌گی را می‌توان اصول اساسی رسیده‌گی حل‌وفصل اختلاف نامید. برخی از آن‌ها ازجمله: اصل حاکمیت اراده، استقلال، بی‌طرفی، محرمانه‌گی و اصل حسن نیت، در این مبحث مورد تبیین و تحلیل قرار می‌گیرد.

۲-۱. حاکمیت اراده

اصل حاکمیت اراده و آزادی طرفین، از مهم‌ترین و اساسی‌ترین اصول رسیده‌گی و سنگ بنای میانجی‌گری است. در این عنوان، نخست (الف) به تبیین اصل حاکمیت اراده، در جریان میانجی‌گری، پس از آن (ب) به محدودیت‌های اصل حاکمیت اراده در حقوق ایران و افغانستان و کنوانسیون سنگاپور (۲۰۱۹ م) پرداخته می‌شود.

^۱ مسؤولیت شخص ثالث و میانجی بر اساس موارد آن متفاوت است: ۱. در صورتی که تدلیس، خیله و تقلب نموده باشد، ممکن است مسؤولیت کیفری داشته باشد؛ ۲. در صورتی که از اسرار تجاری یا تقصیر میانجی طرف مقابل دچار ضرر گردد، میانجی مسؤولیت مدنی خواهد داشت؛ ۳. مسؤولیت انتظامی و اداری؛ در مواردی به دلیل تخلف میانجی از طرزالعمل و مکلفیت‌ها، مسؤولیت انتظامی پیدا می‌کند. هرچند سازمان‌ها و حقوق‌کامن‌لا بیش‌تر بر مصونیت میانجی‌گرایش دارند.

الف. تبیین مفهوم اصل حاکمیت اراده در میانجی‌گری

در میانجی‌گری «طرفین از آغاز فرایند رسیده‌گی، نحوه میانجی‌گری تا ختم آن، براساس اراده خویش حرکت می‌نمایند» (رحیم‌زاده و هم‌کاران، ۱۳۹۸: ۱۲۸). در ماده چهارم قانون نمونه آنسیترال (۲۰۱۸ م) چنین تصریح شده است: «به استثنای مفاد بند ۳ از ماده ۷ (راعیات انصاف) طرفین می‌توانند توافق نمایند، که هر یک از مفاد این بخش را حذف یا تغییر دهند». در ماده دوم قانون میانجی‌گری افغانستان و بند سوم و نهم ماده اول قواعد و آئین اتاق بازرگانی ایران، اصل آزادی طرفین در تمام مراحل میانجی‌گری پذیرفته شده است. در نتیجه، از آغاز تا پایان رسیده‌گی، قصد و اراده طرفین در میانجی‌گری لازم است؛ در حالی که در روش‌های قضائی و یا داوری، حاکمیت اراده در تمام فرایند رسیده‌گی وجود ندارد؛ پس توافق توسط یک یا دو اراده پایان می‌پذیرد.

اظهار قصد و اراده دو طرف از طریق گفتن الفاظ ایجاب و قبول صورت می‌گیرد. مراد از الفاظ ایجاب و قبول بر اساس ماده ۱۹۱ قانون مدنی ایران (۱۳۰۷) این است، که قصد انشاء را برساند؛ یعنی هر لفظ و چیزی که بتواند قصد طرفین را بیان کند و کاشف از قصد و اراده طرفین باشد. در قانون مدنی افغانستان (۱۳۵۵) الفاظ ایجاب و قبول نسبت به قانون مدنی ایران واضح‌تر بیان شده است. طبق بند دوم ماده ۵۰۶ قانون مدنی افغانستان: «ایجاب و قبول عبارت است از الفاظی است که در عرف برای انشاء عقد استعمال می‌گردد»؛ بنابراین، الفاظی که از روی عرف برای عقد به کار می‌رود، برای اثبات و احراز قصد و اراده کافی است.

در «قواعد و آئین میانجی‌گری ۱۳۹۶» اتاق بازرگانی ایران، هرچند «کتبی» بودن الفاظ ایجاب و قبول قید نشده است، اما از اطلاق بند چهارم ماده اول، که بیان می‌دارد: «صرفاً ارجاع موضوع اختلاف به میانجی‌گری مرکز، به منزله قبول این قواعد توسط طرفین اختلاف و میانجی منتخب است»، استفاده می‌شود که کتبی بودن شرط نیست؛ اما تشریفات می‌رساند که میانجی‌گری براساس توافق کتبی و امضای قرارداد صورت می‌پذیرد. در قانون میانجی‌گری افغانستان (۱۳۹۶) هیچ اشاره‌ای بر مکتوب بودن موافقت‌نامه مبنی بر احراز قصد باطنی و ارجاع حل و فصل اختلاف به میانجی‌گری نشده است.^۱

^۱. لازم به ذکر است که: مسکوت بودن قوانین نسبت به موافقت‌نامه، مبنی بر ارجاع اختلاف به میانجی‌گری است. مراد موافقت‌نامه حل و فصل اختلاف ناشی از میانجی‌گری نیست. بررسی شکل موافقت‌نامه حل و فصل اختلاف ناشی از میانجی‌گری در مبحث بعدی خواهد آمد.

ب. محدودیت اصل حاکمیت اراده در میانجی‌گری

پرسشی که در این‌جا مطرح می‌گردد، این است که آیا دو طرف اختلاف بر هر نوع توافق آزاد هستند؟ به سخن دیگر، برای اراده و آزادی دو طرف مبنی بر توافق حل‌وفصل اختلاف از طریق میانجی‌گری محدودیت هست یا خیر؟

طبق قانون ایران، قراردادهای خصوصی در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد، نافذ است.^۱ از مفهوم آن به‌دست می‌آید که فقط در صورتی که به‌گونه صریح مخالف قانون باشد، نافذ نیست. براین‌اساس، در مواردی که مخالفت جلی و صریح نمی‌باشد، قراردادها، ولو این که مخالف قانون باشد، نافذ است. چون قید «مخالف صریح» افاده عمومیت می‌کند؛ باوجوداین، ایرادی که نسبت به ماده ۱۰ قانون مدنی به ذهن می‌رسد: مبهم‌بودن مراد قانون‌گذار از عبارت «مخالف صریح قانون نباشد» در متن ماده مذکور است؛ زیرا روشن نیست که مقصود از قانون، تنها قوانینی می‌باشد که قواعد آمره را بیان می‌کند یا شامل قوانین تکمیلی هم می‌گردد. ظاهراً بایست حمل نمود به قوانینی که ماهیت آمره دارند؛ زیرا اگر مخالفت صریح همه قوانین حتا قوانین تکمیلی معیار باشد، لازم می‌آید ماده ۱۰ قانون مدنی حمل بر مورد نادر شود و تخصیص اکثر لازم آید، چون خیلی از قراردادهای خصوصی در آن قواعد تکمیلی کمتر مراعات می‌گردد؛ بنابراین، در صورتی که مخالف قواعد آمره باشد، مثل نظم عمومی، اراده و توافق طرفین نافذ نیست. در قانون مدنی افغانستان نیز هر قراردادی که مخالف قواعد آمره باشد، نافذ نیست؛ در ماده ۵۹۰ قانون مدنی افغانستان مقرر شده است: «هرگاه موضوع وجبیه (تعهد) مخالف نظام و آداب عامه باشد، باطل پنداشته می‌شود». در مواد ۵۹۲، ۵۹۸، ۱۴۸۲، ۱۵۳۷ و ۱۵۴۹ همین قانون این مطلب به صراحت ذکر شده است.

کنوانسیون سنگاپور (۲۰۱۹ م) نیز در بند دوم ماده پنجم^۲ به کشور مخاطب اجازه داده است، که موافقت‌نامه‌های خلاف نظم عمومی را رد و شناسایی نکند.

و نیز توافق و اراده مبنی بر ارجاع دعاوی مثل نکاح، طلاق و ارث^۳ به میانجی‌گری، اثر ندارد. در حقوق ایران و افغانستان و کنوانسیون سنگاپور (۲۰۱۹ م) اصل حاکمیت اراده در این موضوعات

^۱. ماده ۱۰: قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده‌اند، در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد، نافذ است.

^۲. بند دوم ماده پنجم: مرجع صالح کشور متعاقد کنوانسیون که در خواست مربوط به موافقت‌نامه حل‌وفصل مطابق با ماده چهارم در آن‌جا طرح شده است، همچنین می‌تواند، در صورت احراز هر یک از موارد ذیل از اجرای موافقت‌نامه حل‌وفصل خودداری کند: الف. اجرای موافقت‌نامه حل‌وفصل با نظم عمومی آن کشور مغایرت داشته باشد؛ ب. ...

^۳. واضح است که دعاوی مربوط به نکاح، طلاق و ارث از موضوع میانجی‌گری تجاری تخصصاً خارج هستند. حتا دعاوی مالی ناشی از آن‌ها نیز بسیار بعید است که در قالب میانجی‌گری قابل رسیده‌گی باشند؛ چون میانجی‌گری به دعاوی می‌پردازد که ماهیت تجاری و اقتصادی داشته باشند؛ باین‌حال، در صورت وجود قید «تجاری»، در امکان ارجاع دعاوی مالی مذکور شک و شبهه نیست.

محدود شده است؛ باوجود این، دعاوی تجاری و مالی ناشی از نکاح و طلاق، قابلیت میانجی‌گری‌پذیری را دارند.

در نتیجه، اصل حاکمیت اراده، یکی از اصول اساسی رسیده‌گی میانجی‌گری است و از آغاز فرایند تا ختم، رعایت آن لازم است. در حقوق ایران و افغانستان و کنوانسیون سنگاپور (۲۰۱۹ م) اراده و قصد دو طرف تا زمانی نافذ و معتبر است، که مخالف نظم عمومی و قواعد آمره نباشد.

۲-۲. استقلال

اصل استقلال یکی از اصول بنیادین رسیده‌گی و حل و فصل اختلافات است و در نظام بین‌المللی و داخلی این اصل پذیرفته شده است. در این عنوان، نخست (الف) به تبیین اصل استقلال در جریان میانجی‌گری، پس از آن (ب) به معیار اثبات نقض اصل استقلال در میانجی‌گری و سپس (ت) به تفاوت بین اصل استقلال و اصل بی‌طرفی پرداخته می‌شود.

الف. تبیین مفهوم اصل استقلال در میانجی‌گری

استقلال در لغت به معنای آزادی داشتن، بدون مداخله کسی کار خود را اداره کردن و به آزادی کاری انجام دادن آمده است (عمید، ۱۳۷۵: واژه استقلال)؛ و در اصطلاح نبود روابط میان میانجی و دو طرف اختلاف که باعث از بین رفتن آزادی و استقلال میانجی گردد. این رابطه می‌تواند شامل روابط تجاری، حرفه‌یی، شخصی، خانواده‌گی، ملی، نژادی (واحدی و معبودی، ۱۳۹۴: ۲۹۷)، و یا هر نوع روابطی که با معیار عینی قابل اثبات باشد، گردد. در نهایت، استقلال میانجی به فقدان هرگونه روابط، که باعث از بین رفتن آزادی در کار میانجی گردد، تفسیر می‌شود.

قانون میانجی‌گری افغانستان (۱۳۸۵) در ماده ۱۹ به این اصل پرداخته است: «شخص معرفی شده به حیث میانجی مکلف است قبل از انتصاب یا بعد از آن یا در جریان عملیه میانجی‌گری راجع به شخصیت و سایر احوال مربوط به خود که موجب از بین رفتن شک و تردید در مورد استقلالیت و بی‌طرفی‌اش می‌گردد، به طرفین منازعه معلومات لازم ارائه نماید». در قواعد و آئین اتاق بازرگانی ایران (۱۳۹۶) نیز اصل استقلال پذیرفته شده است. در بند چهارم و پنجم ماده چهارم به این اصل اشاره نموده است. به عنوان مثال، در بند چهارم مقرر شده است: «میانجی منتخب یا منصوب موظف است پیش از شروع به کار، اعلامیه‌یی مبنی بر قبول میانجی‌گری، در دسترس بودن، بی‌طرفی و استقلال خود را امضاء و به دبیرخانه مرکز تسلیم کند؛ همچنین میانجی موظف است در ابتدای نصب یا در جریان رسیده‌گی، مرکز و طرفین را از هرگونه اوضاع و احوال یا شرایطی که ممکن است استقلال و بی‌طرفی وی در نزد طرفین با تردید معقول مواجه کند، کتباً آگاه نماید».

طبق بند هفتم ماده چهارم قواعد و آئین اتاق بازرگانی ایران، جهت حفظ استقلال، یکی از ویژه‌گی‌هایی که هنگام نصب میانجی رعایت می‌شود، «ملیت» و «حرفه» میانجی است. در بند چهارم از ماده ششم قانون نمونه آنستیرال (۲۰۱۸ م) نیز عدم هم‌ملیتی میانجی با دو طرف ترجیح داده شده است.^۱

کنوانسیون سنگاپور (۲۰۱۹ م) یکی از موارد رد درخواست مطروحه را از بین رفتن استقلال در جریان رسیده‌گی دانسته است؛ یعنی در صورتی که استقلال در جریان رسیده‌گی حل و فصل اختلافات از طریق میانجی‌گری رعایت نشود و آن اصل از بین رفته باشد، مرجع صالح می‌تواند درخواست اجرای موافقت‌نامه را رد و اعتباردهی نکند. به این جهت یکی از موارد رد درخواست شناسایی و اجرای موافقت‌نامه حل و فصل اختلاف در ماده پنجم این است که: «(و) میانجی از افشای اوضاع و احوالی که به‌طور موجهی در بی‌طرفی یا استقلال میانجی تردید ایجاد می‌کند، قصور ورزیده باشد». در بند چهارم و پنجم ماده ششم قانون نمونه آنستیرال (۲۰۱۸ م) نیز به استقلال میانجی تأکید شده است. در نتیجه، اصل استقلال میانجی در رسیده‌گی حل و فصل اختلافات، در نظام حقوق داخلی ایران و افغانستان و نیز در حقوق تجارت بین‌الملل به‌عنوان یک اصل اساسی پذیرفته شده است؛ و نقض آن باعث از بین رفتن اعتبار موافقت‌نامه حل و فصل می‌گردد.

ب. معیار اثبات نقض استقلال در جریان رسیده‌گی

پرسشی که این‌جا مطرح می‌گردد، این است که: معیار و سنجه نقض اصل استقلال در میانجی‌گری تجاری چیست؟ خوش‌بختانه معیار اثبات نقض اصل استقلال نسبت به اصل بی‌طرفی روشن‌تر و ساده‌تر است؛ زیرا «وابسته‌گی امری عینی است و از بررسی اوضاع و احوال حاکم بر روابط [میانجی] با طرفین دعوا، سازمان [میانجی‌گری] و دیگر [میانجی‌ها] و اشخاص ثالث قابل کشف است» (شمس و بطحائی، ۱۳۹۶: ۶۲)؛ به‌طور مثال، رابطه کارمندی و کارفرمایی و یا فرزندگی و پدری بین آن‌ها وجود دارد، این روابط و وابسته‌گی‌ها عینی و ملموس است، که دانستن آن دشوار نیست. هرچه این وابسته‌گی و ارتباط بیش‌تر باشد، استقلال میانجی کم‌تر است؛ از این جهت، روابط مالی و خانوادگی بیش‌تر از روابط ملّی و زبانی اصل استقلال را از بین می‌برد. قواعد و آئین میانجی‌گری اتاق بازرگانی ۱۳۹۶، کنوانسیون سنگاپور (۲۰۱۹ م) و نیز قانون آنستیرال (۲۰۱۸ م) همین معیار را برای اثبات و

^۱ بند چهارم ماده ششم: در پیشنهاد و یا انتصاب اشخاص برای میانجی‌گری، آن مؤسسه و یا شخص باید با رعایت کلیه جوانب، ترتیب اتخاذ نماید که بی‌طرفی و استقلال میانجی تضمین شود و در صورت مقتضی به این توصیه توجه داشته باشد، که میانجی‌گری را انتخاب نماید، که تابعیتی متفاوت با طرفین اختلاف داشته باشد.

فقدان استقلال در جریان میانجی‌گری برگزیده است؛ زیرا مفاهیم «تردید معقول»^۱، «به طور موجهی»^۲ و «قابل توجه»^۳ نشان می‌دهد، که معیار اثبات نقض استقلال و فقدان در جریان رسیده‌گی، معیار عینی است.

ت. تفاوت استقلال و بی‌طرفی

در مورد تفاوت مفهوم استقلال و مفهوم بی‌طرفی بین نویسندگان و حقوق دانان اختلاف است. برخی آن دو مفهوم را دو روی یک سکه دانسته‌اند، که هر دو در بیان این مطلب است: شخص ثالث نسبت به طرفین «خنثا» باشد (شیروی، ۱۳۹۱: ۱۶۷ و کریمی، ۱۳۹۳: ۱۸۳). در مقابل برخی معتقدند که استقلال و بی‌طرفی دو مفهوم مجزا هستند که قابلیت جای‌گزینی یک‌دیگر را ندارند (واحدی و معبودی، ۱۳۹۴: ۴۰۶). گروه سوم با پذیرش تفاوت مفهومی بین استقلال و بی‌طرفی، باورمند اند که در رویه دادرسی تفاوت میان آن دو وجود ندارد و استقلال و بی‌طرفی یکی است (جنیدی، ۱۳۸۷: ۵۹)؛ لیکن ظاهراً بین دو مفهوم استقلال و بی‌طرفی تفاوت است. به نگاه دقیق بین آن دو تفاوت است، چون: ۱. یکی از تفاوت‌های میان استقلال و بی‌طرفی، تفاوت در معیار آن دو مفهوم است؛ زیرا معیار نوعی مناسب‌ترین معیار برای تشخیص استقلال است؛ درحالی‌که معیار شخصی مناسب‌ترین معیار برای تشخیص بی‌طرفی است (Stephen, 2007: 442 و شمس و بطحائی، ۱۳۹۶: ۶۲)؛ ۲. موضوع استقلال عینی است؛ درحالی‌که موضوع بی‌طرفی ذهنی است. ازاین‌جهت در صورت تشخیص، نقض استقلال بایست براساس رفتار معقولانه و رفتار نوعی بررسی گردد؛ اما در تشخیص بی‌طرفی، معیار شخصی است (عادل و توکلی، ۱۳۹۲: ۲۰۳)؛ ۳. «ممکن است یک [میانجی] بی‌طرف باشد، اما مستقل نباشد و یا برعکس» (واحدی و معبودی، ۱۳۹۴: ۴۰۸)؛ ۴. در مقررات، مانند قواعد و آئین اتاق بازرگانی ایران (۱۳۹۶) ماده چهارم، قانون میانجی‌گری افغانستان (۱۳۸۵) ماده ۱۹، قانون نمونه آنسیترا (۲۰۱۸) ماده ششم و کنوانسیون سنگاپور (۲۰۱۹ م) ماده چهارم، هر دو واژه «استقلال» و «بی‌طرفی» ذکر شده است، که بیان‌گر تفاوت و عدم قابلیت جای‌گزینی به‌جای یک‌دیگر است. براساس همین باور، اصل استقلال و بی‌طرفی در این تحقیق جداگانه مورد بررسی قرار گرفته است.

^۱ بند چهارم ماده پنجم قواعد و آئین میانجی‌گری اتاق بازرگانی ایران ۱۳۹۶.

^۲ جزء (و) بند اول ماده پنجم کنوانسیون سنگاپور ۲۰۱۹.

^۳ بند پنجم ماده ششم قانون نمونه آنسیترا ۲۰۱۸.

^۴ در قواعد مرکز حل منازعات افغانستان فقط از کلمه «بی‌طرفی» استفاده شده است.

۲-۳. بی‌طرفی

اصل بی‌طرفی یکی از اصول محوری و حیاتی جریان رسیده‌گی حل‌وفصل اختلافات است. در این عنوان ابتدا به (الف) به مفهوم بی‌طرفی و پس از آن (ب) به معیار اثبات نقض بی‌طرفی می‌پردازیم:

الف. تبیین مفهوم بی‌طرفی

بی‌طرفی در لغت به معنای عدم تعصب (معین، ۱۳۸۶: واژه بی‌طرفی) و عدم جانب‌داری از کسی (عمید، ۱۳۷۵: واژه بی‌طرفی) آمده است. بی‌طرفی به یک تفسیر موسع در اصطلاح عبارت از: نداشتن لطف یا دشمنی چه در بیان و چه در عمل نسبت به هیچ یک از طرفین دعوی، و نیز بی‌طرفی، یعنی میانجی‌واسته‌گی قلبی و درونی به یکی از دو طرف دعوی و نسبت به موضوع دعوی نداشته باشد (عادل و توکلی، ۱۳۹۲: ۲۰۳) بنابراین، تمایل به یکی از دو طرف اختلاف و یا موضوع اختلاف و یا نفع و امتیاز از حل و یا عدم حل پرونده باعث می‌گردد که شخص از بی‌طرفی خارج شده و اصل بی‌طرف نقض گردد.

اهمیت اصل بی‌طرفی در میانجی‌گری باعث شده است که اصل بی‌طرفی در تعریف میانجی‌گری ذکر گردد. از همین جهت قواعد و آئین میانجی‌گری اتاق بازرگانی ایران و قانون میانجی‌گری افغانستان اصل بی‌طرفی را در تعریف آورده‌اند. در بند دوم ماده اول قواعد و آئین میانجی‌گری اتاق بازرگانی ایران چنین آمده است: «میانجی‌گری یکی از روش‌های حل‌وفصل اختلافات است که به‌موجب آن شخص ثالث بی‌طرف، طرفین را در حل اختلافات شان مساعدت کرده...»؛ علاوه‌براین، در بند چهارم و پنجم ماده پنجم این مقررات هم به بی‌طرفی میانجی اشاره شده است.^۱ در بند دوم ماده دوم قانون میانجی‌گری افغانستان (۱۳۸۵) نیز در تعریف میانجی‌گری^۲ اصل بی‌طرفی قید شده است؛ در ماده ۱۹ آن قانون هم بر اصل بی‌طرفی تصریح شده است.^۳ در ماده ششم قانون نمونه

^۱. ماده پنجم: میانجی منتخب یا منصوب مؤظف است پیش از شروع به کار، اعلامیه‌ی مبنی بر قبول میانجی‌گری، در دسترس بودن، بی‌طرفی و استقلال خود را امضاء و به دبیرخانه مرکز تسلیم کند؛ هم‌چنین میانجی مؤظف است در ابتدای نصب یا در جریان رسیده‌گی، مرکز و طرفین را از هرگونه اوضاع و احوال یا شرایطی که ممکن است استقلال و بی‌طرفی وی در نزد طرفین را با تردید معقول مواجه کند، کتباً آگاه نماید (قواعد و آئین ۱۳۹۶ اتاق بازرگانی ایران).

^۲. ماده دوم: ۳. میانجی‌گری عبارت از عملیه لازم‌الاجرای است که تاسی از آن میانجی به اساس درخواست و توافق طرفین، خدمات بی‌طرف را به‌منظور حل‌وفصل سریع و عادلانه منازعات اقتصادی و تجارتی انجام می‌دهد (قانون میانجی‌گری افغانستان: ۱۳۸۵).

^۳. ماده ۱۹: شخص معرفی‌شده به حیث میانجی مکلف است قبل از انتصاب یا بعد از آن یا در جریان عملیه میانجی‌گری، راجع به شخصیت و سایر احوال مربوط به خود که موجب ازبین‌رفتن شک و تردید در مورد استقلالیت و بی‌طرفی‌اش می‌گردد، به طرفین منازعه معلومات لازم ارائه نماید (قانون میانجی‌گری افغانستان: ۱۳۸۵).

آنسیترا (۲۰۱۸ م) و ماده پنجم^۱ کنوانسیون سنگاپور (۲۰۱۹ م) نیز بر اصل بی‌طرفی تأکید شده است.

ب. معیار اثبات نقض اصل بی‌طرفی

برخلاف استقلال، بی‌طرفی امری ذهنی است و اثبات آن دشوار است. دادگاه‌های انگلستان برای پی‌بردن به بی‌طرفی شخص ثالث دو روش پیش رو دارند: «یکی احراز تعصب واقعی که اثبات آن به سادگی امکان‌پذیر نیست و عملاً هیچ‌گاه به این طریق متوسل نمی‌شوند؛ دوم احراز تعصب ظاهری که براساس رخدادها، اوضاع، احوال و شرایط نتیجه می‌گیرند که آیا زمینه‌های احتمالی تعصب وجود دارد یا خیر؟» (عادل و توکلی، ۱۳۹۲: ۲۰۴). از آنجایی که بی‌طرفی امری ذهنی است، معیار نوعی مناسب آن به نظر نمی‌رسد. باوجود این تقریباً بیش‌تر قوانین و رویه‌ها معیار «عینی» برای هر دو مورد ارائه کرده‌اند؛ مانند کشورهای کانادا، استرالیا، ژرمنی، مکزیک، هلند، نیوزیلند، سنگاپور و حتی کشورهایی که برخلاف این کشورها از قانون نمونه دآوری آنسیترا قوانین شان را اقتباس نکرده‌اند، مثل انگلستان و آمریکا هم معیار عینی را با بیانات متفاوت ذکر کرده‌اند (افضلی، ۱۳۹۹: ۴۳۹)؛ چون اثبات تمایل و ضد بی‌طرفی مشکل است. به ناچار به معیار نوعی رو می‌آورند. باوجود این، انتخاب معیار عینی خالص مناسب برای اثبات بی‌طرفی به نظر نمی‌رسد؛ بل که مناسب است که معیار نوعی در تشخیص بی‌طرفی همراه با پالایش معیارهای شخصی دنبال شود، به این توضیح که: «برای احراز بی‌طرفی معیارهای نوعی محور جرح قرار گرفته، سپس بی‌طرفی [شخص ثالث] با درنظرگرفتن اوضاع و احوال حاکم بر موضوع دعوا و همچنین روابط با هر یک طرفین دعوا از منظر شخص ثالث متعارف مورد ارزیابی قرار می‌گیرد». براین اساس، ملاقات خصوصی و دیدار جداگانه با یکی از دو طرف دعوی در صورتی که خارج از رفتار معقول شخص ثالث پنداشته نشود، موجب نقض اصل بی‌طرفی نمی‌گردد. شاید به همین دلیل قانون میانجی‌گری افغانستان ملاقات خصوصی با دو طرف دعوی را در ماده ۱۰ اجازه داده است؛ به‌هرصورت، بی‌طرفی امر درونی است و اثبات آن مشکل است. از نگاه قانونی و حقوقی، میانجی باید نسبت به دو طرف دعوی و موضوع دعوی بی‌طرف باشد. کوتاه سخن این که شخص ثالث در وضعیتی نباشد که در مظان خروج از انصاف قرار گیرد (عادل و توکلی، همان: ۲۰۳). انصاف و برخورد منصفانه، خواهان برابری و ترجیح‌ندادن یکی از دو طرف دعوی بر دیگری است. میانجی باید به هر دو طرف زمان برابر و امتیاز برابر بدهد. قانون

^۱. ماده پنجم: مرجع صالح کشور متعاقد کنواسیون، که درخواست مطابق ماده چهارم در آن جا طرح شده می‌تواند به درخواست طرفی که موافقت‌نامه حل‌وفصل علیه وی مورد استناد قرار گرفته، فقط در موارد زیر درخواست مطروحه را رد کند... (و) میانجی از افشای اوضاع و احوالی که به‌طور موجهی در بی‌طرفی یا استقلال میانجی تردید ایجاد می‌کند کوتاهی نماید (جزء او، بند اول از ماده پنجم کنوانسیون سنگاپور: ۲۰۱۹)

میانجی‌گری افغانستان در ماده ۱۲ در این خصوص مقرر کرده است: «میانجی مکلف است در هر حالت یا حین اجرای عملیه میانجی‌گری، با طرفین برخورد منصفانه نماید»؛ در نتیجه، بی‌طرفی اصل اساسی در رسیده‌گی میانجی‌گری است. استقلال، بی‌طرفی و رفتار منصفانه از اصول بنیادی دادرسی و رسیده‌گی به اختلاف هستند که در حقوق، قانون و شرع به رعایت آن‌ها سفارش بسیار شده است.

۲-۴. محرمانه‌گی

اصل محرمانه‌بودن و یا محرمانه‌گی در رسیده‌گی یکی دیگر از اصول اساسی میانجی‌گری است. در این عنوان در آغاز (الف) به تبیین مفهوم اصل میانجی‌گری؛ پس از آن (ب) به مبنای اصل محرمانه‌گی؛ سپس (ت) به استثنایپذیری اصل محرمانه‌گی و در پایان به ضمانت اجرای اصل محرمانه‌گی پرداخته می‌شود:

الف. تبیین مفهوم اصل محرمانه‌گی در میانجی‌گری

محرمانه‌بودن و محرمانه‌گی در لغت به معنای سرپوشیده و راز آمده است (معین، ۱۳۸۶: واژه محرمانه؛ و عمید، ۱۳۷۵: واژه محرمانه). منظور از محرمانه‌گی در رسیده‌گی این است که جریان رسیده‌گی حل‌وفصل اختلافات، جلسات مباحثات و مذاکرات طرفین و شخص ثالث، اسناد، شواهد و دلایل حاصل از رسیده‌گی و کلیه اطلاعاتی که دو طرف در طول رسیده‌گی از آن‌ها مطلع می‌شوند، باید محرمانه باقی بماند (درویشی، ۱۳۹۳: ۲۶۰ و افضلی، ۱۳۹۹: ۴۴۲). محرمانه‌گی اصلی مهم در رسیده‌گی و حل منازعات است، که وجود آن باعث شده شیوه‌های جای‌گزین، مانند میانجی‌گری و داوری میان اصحاب دعوی استقبال بیش‌تر داشته باشد.

در حقوق ایران هرچند در آئین دادرسی مدنی و دیگر قوانین در خصوص محرمانه‌گی میانجی‌گری چیزی بیان نشده است، اما در قواعد و آئین میانجی‌گری اتاق بازرگانی ایران (۱۳۹۶) در ماده نهم به محرمانه‌بودن میانجی‌گری تصریح شده است: «میانجی‌گری محرمانه است و تنها میانجی، طرفین، نماینده‌گان طرفین و نماینده مرکز (اتاق بازرگانی ایران) حق حضور در جلسات میانجی‌گری را خواهند داشت، مگر طرفین بر خلاف آن تراضی کنند و یا به موجب قانون حاکم، طور دیگری مقرر شده باشد». هر چند این ماده در صدد بیان محرمانه‌گی میانجی‌گری است، اما به اصل خصوصی‌بودن رسیده‌گی هم پرداخته است. اصل محرمانه‌گی میانجی‌گری در صدر ماده مزبور (میانجی‌گری محرمانه است) تمام می‌شود و جمله «تنها میانجی، طرفین، نماینده‌گان طرفین و نماینده مرکز (اتاق بازرگانی ایران) حق حضور در جلسات میانجی‌گری را خواهند داشت»، بیان‌کننده اصل خصوصی‌بودن رسیده‌گی است.

اصل خصوصی بودن رسیده گی غیر از محرمانه گی است؛ چون مراد از اصل خصوص این است که: «غیر از طرفین اختلاف و نماینده گان مجاز آن‌ها و اشخاص ثالث بی طرف (داور، میانجی و غیره) و شهود و کارشناسان، شخص دیگری نمی تواند در جلسات رسیده گی شرکت نماید». (همان جا)؛ اما به دلیل ارتباط نزدیک آن دو، در قواعد و آئین اتاق بازرگانی و نیز در ماده ۱۱ قواعد مرکز حل منازعات افغانستان^۱ هردو اصل با هم ذکر شده است.

در قانون میانجی گری افغانستان (۱۳۹۶) نیز به اصل محرمانه گی در ماده ۲۱ تصریح شده است: «تمام معلومات مربوط به عملیه میانجی گری به استثنای حالاتی که افشای آن مطابق احکام این قانون به منظور تطبیق موافقت نامه حل و فصل منازعه لازم دانسته شود، به طور محرم نگه داری می گردد، مگر این که طرفین طور دیگری موافقت نموده باشند». قانون گذار افغانستان مصادیق معلوماتی که باید محرمانه نگه داری شود را مشخص نکرده است، اما قواعد و آئین اتاق بازرگانی ایران برخی مصادیق را مشخصاً نام برده و بر محرمانه گی آن تصریح شده است. طبق ماده نهم آن، مصادیق محرمانه شامل این موارد است: «الف. میانجی گری و محتوای آن محرمانه است. در صورت لزوم صرف اعلام زمان و وقوع میانجی گری اعم از گذشته، حال و آینده محرمانه محسوب نمی شود؛ ب. حصول توافق مبنی بر حل و فصل اختلافات بین طرفین یا محتوا و شروط توافق حاصله محرمانه است و اعلام و افشای آن مجاز نیست؛ مگر این که افشاکننده حق افشای آن را داشته تا جایی که طبق قانون حاکم لازم باشد یا اعلام و افشای آن به منظور اجرا و انجام نتیجه حاصل از میانجی گری، ضروری باشد». در قواعد و آئین میانجی گری اتاق بازرگانی ایران و قانون میانجی گری افغانستان، به هر دو اجازه داده شده است، در صورتی که قانون حاکم لازم بداند، اظهار و بیان آن معلومات از محرمانه بودن خارج گردد. قانون میانجی گری افغانستان در ماده ۱۴ تمامی معلومات در حکمیت و میانجی گری را محرمانه دانسته است، «مگر این که افشای معلومات مذکور به منظور تطبیق موافقت نامه حل و فصل منازعه، لازم باشد»؛ اما خارج از این استثنا، محرمانه گی میانجی گری به عنوان یک اصل مهم و اساسی پذیرفته شده است.

ب. مبنای اصل محرمانه گی میانجی گری

در پذیرش محرمانه بودن میانجی گری جای تردید و شک نیست، اما پرسشی که این جا مطرح می گردد، این است که: مبنای محرمانه بودن میانجی گری و شیوه های جایگزین چیست؟ آیا قرارداد بین دو طرف مبنای این محرمانه گی است یا پای بندی به محرمانه بودن ناشی از حکم قانون است؟

^۱ ماده ۱۱: جلسات میانجی گری خصوصی و سری می باشد. به جز از طرفین و نماینده گان آن‌ها، هرکس دیگر به اجازه طرفین و رضایت میانجی در آن اشتراک کرده می تواند. معلوماتی که در جریان رونق میانجی گری به دست آمده است، باید محرم نگه داشته شود.

در میانجی‌گری به‌نظر می‌رسد مبنای محرمانه‌بودن میان اصحاب دعوا و شخص ثالث قراردادی است؛ زیرا اشخاص در میانجی‌گری به‌طور ضمنی محرمانه‌بودن میانجی‌گری را می‌پذیرند. مؤسسه‌ها نیز قبل از آغاز میانجی‌گری، امضای توافق‌نامه میانجی‌گری را از طرفین درخواست می‌کنند، که صراحتاً محرمانه‌گی در آن ذکر شده است.

در حقوق نیز مهم‌ترین مبنایی که ارائه شده، به‌ویژه در حقوق فرانسه، مبنای قراردادی است و طرفین با تعهد ضمنی خویش رعایت اصل محرمانه‌بودن را می‌پذیرند. در حقوق انگلستان نیز این مبنا برای اصل محرمانه‌بودن مورد پذیرش قرار گرفته است (درویشی، ۱۳۹۳: ۲۶۳). شاید به همین جهت کنوانسیون سنگاپور (۲۰۱۹ م) سخن از محرمانه‌بودن میانجی‌گری را در کنوانسیون نگنجانده است. می‌توان تحلیل کرد که کنوانسیون سنگاپور (۲۰۱۹ م) به آن دلیل که مبنای محرمانه‌گی را قراردادی دانسته و نه به حکم قانون، از آوردن آن در متن کنوانسیون خودداری نموده است. بر این اساس حتا در صورت فقدان حکم قانونی در مورد محرمانه‌گی، می‌شود بر محرمانه‌بودن رسیده‌گی تأکید کرد؛ به‌عنوان مثال، رأی اصراری دادگاه تجدیدنظر سوئد در رأی مورخ ۳۰ مارچ ۱۹۹۹ م. در مورد حکم دادگاه بدوی که قاعده محرمانه‌بودن داوری را امری مسلم تشخیص داده بود و تخلف از آن را سبب بطلان قرارداد و حکم داوری اعلام نموده بود اظهار داشت که: «هرچند قانون داوری سوئد و مقررات کمیسیون اقتصادی سازمان ملل برای اروپا صراحتاً قاعده محرمانه‌بودن داوری را وضع نکرده است، ولی درعین حال هیچ تردیدی وجود ندارد که قصد طرفین این بوده که داوری را خصوصی نگه‌دارند» (همان: ۲۶۳)؛ بنابراین، هر چند که قانون در خصوص حفظ محرمانه بودن حکم نداشته نباشد، اما براساس قصد طرفین و تعهد ضمنی دو طرف، رعایت محرمانه‌بودن رسیده‌گی لازم است.

در خصوص اشخاص ثالث، که وارد میانجی‌گری می‌گردند هم براساس تعهد ضمنی، رعایت محرمانه‌بودن میانجی‌گری لازم است. قواعد و مقرراتی که به محرمانه‌بودن رسیده‌گی اشاره می‌کنند، تأکید بر حفظ تعهد ضمنی و ضمانت اجرای محکم برای عدم تخلف از این تعهد دارند. علاوه‌براین مزیت، در موارد خلأ و ابهامات قراردادی می‌توان از قانون حاکم برای تفسیر قرارداد و قلم‌رو محرمانه‌گی استفاده نمود، و یا در صورتی که محرمانه‌گی از قانون ناشی شده باشد، در موارد خلأ و ابهام، از قصد و تعهد ضمنی طرفین کمک گرفت (همان: ۲۶۴).

ت. استثنای پذیري محرمانه‌گی میانجی‌گری

پرسش دیگری که در خصوص محرمانه‌بودن میانجی‌گری مطرح می‌گردد، استثنای پذیري یا عدم استثنای پذیري محرمانه‌بودن رسیده‌گی حل منازعات به شیوه میانجی‌گری است. این که آیا

محرمانه بودن میانجی گری استثنا دارد یا این که طرفین و اشخاص در هیچ صورت نمی توانند برخلاف اصل محرمانه گی رفتار کنند و الا سبب بطلان میانجی گری می شود؟

در پاسخ به این پرسش می توان گفت: در صورتی که مبنای محرمانه بودن میانجی گری قراردادی باشد، محدوده محرمانه بودن رسیده گی و استثنای پذیری یا عدم آن، بسته گی به قرارداد و عُرف دارد. مواردی که از روی عُرف و یا شرط بر محرمانه بودن تأکید شده است، در قلمرو محرمانه گی باقی است و خارج از آن مستثناست و افشای آن باعث از بین رفتن میانجی گری نمی گردد. در حقیقت افشای آن موارد، استثنا از محرمانه بودن میانجی گری نیست؛ چون داخل در قلمرو عُرف و شرط محرمانه گی نبوده تا استثنا صورت گیرد؛ اما اگر اسناد و شواهد و کلیه اطلاعاتی را که داخل در قلمرو شرط و عرف هستند در قرارداد طرفین ذکر کرده باشند که می توانند در موارد خاص (برای اجرای موافقت نامه نزد دادگاه) افشا کنند و آن اطلاعات را در دسترس دیگری قرار بدهد، استثنا حکمی به وجود می آید. به تعبیر ادبی و فنی، استثنا منقطع شکل می گیرد و آن چه داخل در موضوع (محرمانه گی) بوده، حکماً از آن مورد استثنا شده است. به هر صورت ملاک محرمانه گی و استثنا، قرارداد و قصد دو طرف است.

اما در صورتی که محرمانه بودن از حکم قانون ناشی شده باشد، استثنای پذیری و عدم آن و بیان موارد استثنا بسته گی به حکم قانون دارد و بایست برای استثنا و موارد آن حکم قانونی وجود داشته باشد. در فقدان حکم و شک، اصل محرمانه بودن است.^۱ در ماده ۱۴ قانون میانجی گری افغانستان، اسناد، مدارک و کلیه اطلاعات محرمانه محسوب می گردد؛ در صورتی که برای تطبیق موافقت نامه حل و فصل منازعه لازم باشد؛ اما افشای آن قانونی محسوب می شود. به عنوان مثال، اگر اسناد و مدارک را دادگاه / محکمه یا مرجع صالح دیگر برای شناسایی موافقت نامه حل و فصل درخواست می کند. قواعد و آئین اتاق بازرگانی ایران (۱۳۸۵) جامع تر از قانون میانجی گری افغانستان موارد استثنا را بیان کرده است. طبق بند دوم ماده نهم، هیچ کدام از طرفین حق استناد به مدارک و اسناد را ندارند؛ مگر در این موارد: «۱. به موجب قانون حاکم مکلف به ارائه باشند»؛ «۲. برای اجرای نتیجه میانجی گری لازم باشد»؛ «۳. طرفین برخلاف آن تراضی کرده باشند»؛ «۴. طرفی که قصد ارائه و استناد به آن ها را دارد این مستندات را به طور مستقل به دست آورد باشد». به جزء صورت اخیر، موارد دیگر استثنا بر اصل محرمانه گی است؛ اما مورد چهارم چون داخل در فرایند میانجی گری نبوده و خارج از میانجی گری به دست آمده است، می تواند به آن استناد کند؛ البته حکم جواز در این ماده

^۱ دلیل مرجع بودن اصل محرمانه بودن این است، که مسأله مزبور نظیر شک در مکلف به است، یعنی شک در غیر قانونی بودن افشا و نقض محرمانه گی ندارد، بل که شک دارد، که توسط فرد خاص تخلف قانونی به وجود می آید یا خیر؟

صرفاً به‌خاطر این است که افشای آن بر اصل محرمانه‌گی نقص وارد نمی‌کند، اما درواقع ممکن است اطلاعات به دست آمده اسرار تجاری باشد و یا مانند آن، که نشر آن‌ها غیرقانونی باشد.

کنوانسیون سنگاپور (۲۰۱۹ م) هرچند به موارد استثنا اشاره نکرده است، اما به‌منظور احرازشدن رعایت شروط کنوانسیون نزد کشور صالح، به کشور صالح اجازه داده است، که هر اسناد و مدارکی که لازم داشته باشد را درخواست نماید. به طور کلی، اصل محرمانه‌بودن میانجی‌گری اصلی مسلم است، اما مانند هر قاعده عامی، استثنایذیری دارد و یکی از مواردی که در حقوق داخلی ایران و افغانستان و نیز در کنوانسیون سنگاپور (۲۰۱۹ م) استثنا شده است، در خواست اسناد و مدارک جهت شناسایی موافقت‌نامه حل‌وفصل اختلاف است.

د. ضمانت اجرای اصل محرمانه‌گی

تضمین رعایت اصل محرمانه‌گی در صورتی که مبنای محرمانه‌گی توافق و قرارداد بین طرفین باشد، مسؤولیت قراردادی است. در صورتی که مسؤولیت ناشی از حکم قانون و غیر از قرارداد باشد، مسؤولیت غیرقراردادی است. براساس همین مسؤولیت، در صورت تحمل زیان و ضرر، زیان‌رساننده مسؤول جبران زیان و خسارت وارده است.

قوانین برخی از کشورها نیز تدابیر و مقرراتی را برای حفظ محرمانه‌گی اطلاعات مشخص کرده است. ازجمله در بند پنجم ماده هفتم و ماده هشتم قانون حمایت اسرار تجاری و صنعتی افغانستان (۱۳۹۵) از حفظ معلومات و اطلاعات محرمانه حمایت شده است. براساس ماده نهم قانون مذکور، در صورت تحمل ضرر و خسارت، شخص متضرر حق شکایت به دادگاه تجاری را دارد. ماده ۱۱ قانون حمایت اسرار تجاری و صنعتی نیز شخص خوانده را به جبران: ۱. خسارت معادل ضرر به نرخ روز؛ ۲. مصارف متضرر جهت اثبات دعوی متحمل شده؛ ۳. حق الزحمه وکیل؛ ۴. خسارت منفعت غیر قانونی که به دلیل سوء استفاده از اسرار تجاری و صنعتی به‌دست آورده؛ و ۵. سایر خساراتی که محکمه بر اساس قانون مزبور تعیین کند، مکلف ساخته است.

به‌هرصورت، نقض اصل محرمانه‌گی درحالی که سبب بطلان موافقت‌نامه حل‌وفصل اختلاف می‌گردد، در صورت خسارت ناشی از نقض، نقض‌کننده اصل محرمانه‌گی مسؤول جبران خسارت و زیان به‌وجودآمده است. درنهایت مسؤولیت مدنی اشخاص و تدابیر قانونی توسط برخی از کشورها، ضمانت اجرای اصل محرمانه‌گی در جریان رسیده‌گی است.

۲-۵. حُسن نیت

اصل حسن نیت، ترکیب‌یافته از واژه «حُسن» و «نیت» است. حسن در لغت به معنای نیکو (معین، ۱۳۸۶: واژه حسن)، خوبی، نیکویی (عمید، ۱۳۷۵: واژه حسن) آمده است. فرهنگ فارسی عمید واژه

نیکویی و خوبی را تفسیر به حسن نیت کرده است. نیت در لغت به معنای قصد و عزم آمده است (همان) و در اصطلاح حقوقی هر چند تعریف واحدی وجود ندارد، اما به یک مفهوم، حسن نیت شامل گفتار و رفتار صادقانه است، که در مقابل آن، تقلب و نیرنگ قرار می‌گیرد. حسن نیت به این مفهوم ایجاب می‌کند که اشخاص در قراردادهای با صداقت و دل‌سوزی رفتار کنند و از نیرنگ و تقلب بپرهیزند (کاتوزیان و عباس‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۹۲). حسن نیت حاکی از رفتار منصفانه است که باعث بیان حقایق می‌گردد (اسکینی و شهرکی، ۱۳۸۶: ۵)؛ بنابراین، منظور از حسن نیت در رسیده‌گی، گفتار و رفتار صادقانه است که با صداقت و دل‌سوزی برای حل اختلافات و رسیدن به توافق ارائه می‌شود و از نیرنگ و تقلب می‌پرهیزد.

برخلاف اصل استقلال و بی‌طرفی که مخاطب آن میانجی بود، اصل حسن نیت را باید تمامی اشخاص مرتبط به دعوی، به‌ویژه دو طرف اختلاف رعایت کنند. قواعد و آئین میانجی‌گری اتاق بازرگانی ایران در بند پنجم ماده هفتم، میانجی را برای رعایت حسن نیت مخاطب قرارداد و در بند ششم طرفین اختلاف، مخاطب قرار گرفته و مقرر شده است: «در طول میانجی‌گری طرفین موظفاند که با حسن نیت رفتار و عمل کنند و در خواست‌ها و دستورات میانجی را انجام دهند»؛ بنابراین، هم اصحاب دعوی و هم میانجی مکلف به رعایت حسن نیت هستند. در حقوق ایران هرچند نسبت به جای‌گاه حسن نیت نظر واحد نیست، اما «در مجموع یک‌روند صعودی را طی کرده است» (کریمی و سلیمیان، ۱۴۰۰: ۲۳۵). از این جهت در مواد ۳ و ۳۵ قانون تجارت الکترونیکی (۱۳۸۲) بر لزوم رعایت حسن نیت تأکید شده است؛ درحالی که در قانون مدنی ایران (۱۳۰۷) جای‌گاه حسن نیت روشن نیست؛ اما برخی استادان مدلول مواد ۶۸۰ و ۲۶۳ آن قانون را یک نوع بیان مفهوم حسن نیت می‌دانند (کریمی و سلیمیان، ۱۴۰۰: ۲۳۵)؛ باوجود این به مقیاس اهمیت حسن نیت، جای‌گاه حسن نیت در حقوق ایران روشن نیست (کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۱۸۴)؛ بر خلاف قواعد و آئین میانجی‌گری اتاق بازرگانی ایران، در قانون میانجی‌گری افغانستان (۱۳۸۵) و در قواعد مرکز حل منازعات افغانستان توجه به حسن نیت نشده است. باین‌حال، در قانون مدنی افغانستان تأکید فراوان بر رعایت حسن نیت شده و چندین ماده قانونی از جمله: مواد ۶۹۷، ۵۶۸، ۶۹۹، ۹۰۹، ۱۰۹۱، ۱۲۴۶، ۱۳۶۶، ۱۸۰۲ و ۲۲۷۶^۳ به احکام و لزوم حسن نیت پرداخته شده است؛ در نتیجه در حقوق ایران و

۱. ماده سوم: در تفسیر این قانون همیشه باید به خصوصیت بین‌المللی، ضرورت توسعه هماهنگی بین کشورها در کاربرد آن و رعایت لزوم حسن نیت توجه کرد.

۲. ماده ۳۵: اطلاعات اعلامی و تأییدیه اطلاعات اعلامی به مصرف‌کننده باید در واسطی با دوام، روشن و صریح بوده و در زمان مناسب و با وسایل مناسب ارتباطی در مدت معین و براساس لزوم حسن نیت در معاملات، و از جمله ضرورت رعایت افراد ناتوان و کودکان، ارائه شود.

۳. ماده ۲۲۷۶: شخصی که بدون علم از تجاوز بر حق غیر، حایز حق گردد، دارای حسن نیت شناخته می‌شود، مگر این که این چهل او ناشی از خطای فاحش باشد.

افغانستان از حسن نیت حمایت شده است. در ماده دوم قانون نمونه آنسیترال (۲۰۱۸ م) نیز بر رعایت حسن نیت در تفسیر و یک‌سان‌سازی قوانین تأکید شده است.

کنوانسیون سنگاپور (۲۰۱۹ م) به صراحت از حسن نیت نام نبرده است؛ اما در بند اول ماده پنجم چنین مقرر شده است: «... در موارد زیر در خواست مطروحه را می‌تواند رد کند... (ه) میانجی مرتکب نقض استانداردهای قابل اعمال بر میانجی یا میانجی‌گری شده باشد». یکی از این استانداردها اصل حسن نیت می‌باشد، که تخلف و نقض از آن باعث از بین رفتن اعتبار موافقت‌نامه حل و فصل ناشی از میانجی‌گری می‌گردد؛ بنابراین، اعمال استاندارد حسن نیت در فرایند میانجی‌گری لازم است؛ نیز از بخش (و) این ماده بر اعتبار اصل حسن نیت می‌توان کمک جست. در بخش (و) مقرر شده است: «در موارد زیر درخواست مطروحه را می‌تواند رد کند...: (و) میانجی از افشای اوضاع و احوالی که به‌طور موجهی در بی‌طرفی یا استقلال میانجی تردید ایجاد می‌کند، قصور ورزیده باشد و این قصور بر یک طرف به‌طور اساسی تأثیر گذاشته باشد یا به‌طور ناروا وی را متأثر کرده باشد و اگر این قصور اتفاق نمی‌افتاد، آن طرف موافقت‌نامه حل و فصل را منعقد نمی‌کرد». کلمه «ناروا» را می‌توان تفسیر عام نمود تا تقلب و نیرنگ، که ضد حسن نیت است هم شامل آن گردد؛ بنابراین، تقلب و نیرنگ که ضد حسن نیت است یکی از مصادیق اعمال «ناروا» است و هر توافق ناشی از عمل ناروا، بی‌اعتبار است. در نتیجه، عمل ناروا ضد حسن نیت است و پرهیز از آن لازم.

در نتیجه، اصل حسن نیت با توجه به قواعد و آئین اتاق بازرگانی ایران، قانون تجارت الکترونیک ایران و قانون مدنی افغانستان، رعایت آن توسط طرفین و میانجی لازم است و اصل حسن نیت در هر دو حقوق ایران و افغانستان مورد حمایت قرار گرفته است.

۳. نتیجه‌گیری

موفقیت‌آمیز بودن میانجی‌گری وابسته‌گی مستقیم بر رعایت اصول میانجی‌گری دارد. از بررسی اصول میانجی‌گری تجاری دانسته شد که اصل استقلال و بی‌طرفی دو اصل متفاوت بوده و معیار اثبات و موضوع هر دو اصل متمایز هستند؛ بنابراین، نباید دو اصل استقلال و بی‌طرفی را یک مفهوم لحاظ کرد. اصول میانجی‌گری تجاری نیز باید تفکیک گردند و آنچه تأثیر مستقیم و اساسی بر موافقت‌نامه ناشی از میانجی‌گری تجاری دارد، اصول اساسی میانجی‌گری است. کنوانسیون سنگاپور (۲۰۱۹ م) اصولاً برای شناسایی موافقت‌نامه میانجی‌گری تجاری به‌وجود آمده است و هدف اساسی آن بررسی اصول و فرایند رسیده‌گی میانجی‌گری نیست.

یافته‌های تحقیق صورت گرفته در حقوق افغانستان و ایران و کنوانسیون سنگاپور (۲۰۱۹ م) قرار

زیر است:

۱. حقوق ایران و افغانستان در اصول اساسی یکی هستند؛ هر دو از لحاظ ضمانت اجرای نقض اصول اساسی و استثنایپذیری آن تفاوت اساسی ندارند؛
۲. اصول حاکمیت اراده، استقلال، بی‌طرفی، محرمانه‌گی و حسن نیت از اصول اساسی میانجی‌گری است که نقض و فقدان آن‌ها در روند میانجی‌گری، موافقت‌نامه ناشی از میانجی‌گری را به مخاطره می‌اندازد و موافقت‌نامه میانجی‌گری را از اعتبار خارج می‌سازد و خروجی آن بی‌ثمر بودن و شکست میانجی‌گری است؛
۳. اصل حاکمیت اراده و اصل محرمانه‌گی هر دو دارای محدودیت بوده و استثنایپذیر هستند؛ توافق و اراده میانجی و اصحاب دعوا در همه موارد معتبر نیست و اراده آن‌ها حاکمیت ندارد؛ هم‌چنین اصل محرمانه‌گی همیشه‌گی و شامل تمام موارد نیست، بل که براساس مبنای محرمانه‌گی، استثنائاتی هم وجود دارد؛
۴. براساس این تحقیق، اصل بی‌طرفی و اصل استقلال در حقوق ایران و افغانستان متفاوت بوده و از نظر مفهوم و معیار با هم فرق دارند؛
۵. برای نخستین‌بار تقسیم اصول میانجی‌گری به اصول اساسی و غیراساسی صورت گرفته است و معیار این تقسیم‌بندی براساس تحقیق حاضر دو امر بوده است: یک، نتیجه نقض اصول اساسی شکست میانجی‌گری و به مخاطره افتادن موافقت‌نامه ناشی از میانجی‌گری است. دو، طرفین و میانجی نمی‌توانند بر خلاف اصول اساسی توافق کنند، در حالی که این دو معیار در اصول غیر اساسی وجود ندارد؛ زیرا میانجی و طرفین می‌توانند اطلاعاتی را که بر خلاف اصل محرمانه‌گی نباشد مورد استناد قرار دهند؛
۶. کنوانسیون سنگاپور (۲۰۱۹ م) اصولاً برای روند و فرایند میانجی‌گری به‌وجود نیامده است، از این جهت کم‌تر به اصول و آئین میانجی‌گری تجاری پرداخته است. در حقیقت کنوانسیون سنگاپور برای شناسایی و اعتباردهی موافقت‌نامه‌های ناشی از میانجی‌گری آمده است و بیش‌تر سازوکاری شبیه کنوانسیون (۱۹۹۸ م) مربوط به داوری را دنبال کرده است.

ORCID

Morteza Aadel

Hafizullah Muhammadi



<https://orcid.org/0009-0002-5055-7053>



<https://orcid.org/0009-0005-4747-2210>

ارجاع به این مقاله (APA):

عادل، مرتضی؛ محمدی، حفیظ‌الله. (۱۴۰۴). «اصول اساسی میانجی‌گری تجاری در حقوق ایران و افغانستان (با تکیه بر کنوانسیون سنگاپور، ۲۰۱۹ م)». فصل‌نامه علمی - پژوهشی غالب. ۱۴(۱). ۲۲-۱.

<https://doi.org/10.58342/ghalibqj.V.14.I.1.2>

To Cite this Article (APA):

. Aadel, Morteza.; Mohammadi, Hafizullah. (2025). "Basic Principles of Commercial Mediation in the Laws of Iran and Afghanistan (Based on the Singapore Convention, 2019)". *Ghalib Journal*. 14(1). 1-22. <https://doi.org/10.58342/ghalibqj.V.14.I.1.2>

سرچشمه‌ها

۱. اسکینی، ربیعا؛ نیازی شهرکی، رضا. (۱۳۸۶). «مفهوم اصل حسن نیت و رفتار منصفانه». *نشریه حقوقی گواہ*. (۱۰). ۲۱-۳. <http://noo.rs/bQTAR>
۲. افضل، عبدالواحد. (۱۳۹۹). «حل‌وفصل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری». کابل: بنیاد اندیشه (مجله چاپی).
۳. جنیدی، لعیا. (۱۳۷۸). *بررسی تطبیقی قانون نمونه*. تهران: دانش‌گاه تهران.
۴. درویشی هویدا، یوسف. (۱۳۹۳). *شیوه‌های جایگزین حل و فصل اختلاف*. چ دوم. تهران: میزان.
۵. رحیم‌زاده و هم‌کاران. (۱۳۹۸). *روش‌های حل منازعات تجاری*. کابل: وزارت تحصیلات عالی افغانستان.
۶. شمس، عبدالله؛ بطحائی، سیدفرهاد. (۱۳۹۶). «معیار تشخیص استقلال و بی‌طرفی داور». *فصل‌نامه علمی تحقیقات حقوقی*. ۲۰ (۷۷). ۶۵-۳۹. https://lawresearchmagazine.sbu.ac.ir/article_56506.html
۷. شیروی، عبدالحسین. (۱۳۹۱). *داوری تجاری بین‌المللی*. تهران: سمت.
۸. عادل، مرتضی؛ توکلی، محمد مهدی. (۱۳۹۲). «استقلال و بی‌طرفی داور در داوری داخلی و داوری تجاری بین‌المللی». *تحقیقات حقوقی*. ۱۶ (۶۴). ۲۱۶-۱۹۱. <http://noo.rs/UJwqh>
۹. عمید، حسن. (۱۳۷۵). *فرهنگ فارسی*. چ ششم. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۰. کاتوزیان، ناصر؛ عباس‌زاده، محمد هادی. (۱۳۹۲). «حسن نیت در حقوق ایران». *مطالعات حقوق خصوصی*. ۳ (۳). ۱۶۷-۱۸۶. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.25885618.1392.43.3.10.6>
۱۱. کریمی، عباس؛ پرتو، حمیدرضا. (۱۳۹۳). *حقوق داوری داخلی*. چ سوم. تهران: نشر دادگستر.
۱۲. کریمی، عباس؛ سلیمیان، ابوالفضل. (۱۴۰۰). «تعهد حسن نیت در قراردادهای در حقوق ایران و فرانسه». *فصل‌نامه تمدن حقوقی*. ۴ (۸). ۲۴۸-۲۳۴. https://www.pzhfars.ir/article_132723.html
۱۳. معین، محمد. (۱۳۸۶). *فرهنگ فارسی*. تهران: انتشارات امیرکبیر.

۱۴. واحد، شقایق؛ معبودی نیشابوری، رضا. (۱۳۹۴). «استقلال و بی طرفی داور؛ ترادف یا تمایز؟ (مطالعه تطبیقی در داوری تجاری بین المللی)». *مطالعات حقوق تطبیقی*. ۶(۱).

<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.1735496.1394.6.1.18.7>. ۴۱۲-۳۹۳

15. Stephan, B. (2020). **International Commercial Arbitration**, Hart Publishing Oxford Beck Juristischer Verlag Dez.

16. **The United Nation Convention on International settlement Agreements Resulting From Mediation**, 2019 Singapore.

References

1. Aadel, Morteza; Tavakoli, Mohammad Mahdi. (2013). "Independence and Impartiality of the Arbitrator in Domestic and International Commercial Arbitration." *Legal Research*, 16(64), 191-216. <http://noo.rs/UJwqh> [In Persian]
2. Afzali, Abdulwahid. (2020). "Resolution of Disputes Arising from Investment." Kabul: Andisheh Foundation (Printed Journal). [In Persian]
3. Amid, Hassan. (1996). *Persian Dictionary*. 6th edition. Tehran: Amir Kabir Publishing. [In Persian]
4. Darvishi-e Hovida, Yousef. (2014). *Alternative Dispute Resolution Methods*. 2nd edition. Tehran: Mizan. [In Persian]
5. Janidi, Laya. (1999). *Comparative Study of the Model Law*. Tehran: University of Tehran. [In Persian]
6. Karimi, Abbas; Parto, Hamidreza. (2014). *Domestic Arbitration Law*. 3rd edition. Tehran: Dadgostar Publishing. [In Persian]
7. Karimi, Abbas; Salimian, Abolfazl. (2021). "The Obligation of Good Faith in Contracts in Iranian and French Law." *Legal Civilization Journal*, 4(8), 234-248. https://www.pzhfars.ir/article_132723.html [Persian]
8. Katouzian, Nasser; Abbaszadeh, Mohammad-Hadi. (2013). "Good Faith in Iranian Law." *Private Law Studies*, 43(3), 167-186. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.25885618.1392.43.3.10.6> [In Persian]
9. Mo'in, Mohammad. (2007). *Persian Dictionary*. Tehran: Amir Kabir Publishing. [In Persian]
10. Rahimzadeh et al. (2019). *Methods of Commercial Dispute Resolution*. Kabul: Ministry of Higher Education, Afghanistan. [In Persian].
11. Shams, Abdullah; Botahi, Seyed Farhad. (2017). "Criteria for Determining the Independence and Impartiality of Arbitrators." *Legal Research Quarterly*, 20(77), 39-65. https://lawresearchmagazine.sbu.ac.ir/article_56506.html [In Persian]
12. Shirovi, Abdulhossein. (2012). *International Commercial Arbitration*. Tehran: Samt. [In Persian]
13. Skini, Rabia; Niazi-e Shahraki, Reza. (2007). "The Concept of the Principle of Good Faith and Fair Behavior." *Gavah Legal Journal*, 10, 3-21. <http://noo.rs/bQTAR> [In Persian]
14. Stephan, B. (2020). **International Commercial Arbitration**, Hart Publishing Oxford Beck Juristischer Verlag Dez.
15. Vahid, Shaghayegh; Ma'budi-e Nishabouri, Reza. (2015). "Independence and Impartiality of the Arbitrator; Synonym or Distinction? (A Comparative Study in

International Commercial Arbitration)." *Comparative Legal Studies*, 6(1), 393-412.
<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.1735496.1394.6.1.18.7> [In Persian]

16. **The United Nation Convention on International settlement Agreements Resulting From Mediation**, 2019 Singapore.